



فصلنامه علمی - تخصصی

نگاه معاصر

در عرصه سیاست خارجی و روابط بین الملل



بنیاد اندیشه
تأسیس ۱۳۱۲

شناسنامه

صاحب امتیاز:

بنیاد اندیشه

مدیر مسئول:

داکتر صادق باقری

معاون مدیر مسئول:

داکتر زکیه عادل

سر دبیر:

محمد قاسم عرفانی

هیأت تحریریه:

(به ترتیب الفبا)

اسدالله امیری، داکتر تیمور شاران، داکتر فرامرز تمنا،

داکتر ذاکر حسین ارشاد،

داکتر سردار محمد رحیمی، سید آصف حسینی،

داکتر محمد اکرم عارفی، داکتر محمد شفق خواتی،

محمد هدایت، داکتر موسی جعفری،

داکتر محمد حسین خلوصی،

داکتر محمد قاسم وفایی زاده، داکتر ناصر علی رحمانی

سال دوم
بهار و تابستان ۱۳۹۹
شماره ۸ و ۷



بنیاد اندیشه
تأسیس ۱۳۹۴

ویراستار: محمد قاسم الیاسی ترگانی

طراح جلد: محمدرضا قربانی

صفحه آرا: علی جمعه محمدی

ترجمه چکیده ها به انگلیسی: محمد سخی رضایی

فصلنامه نگاه معاصر در ویرایش مطالب آزاد است. نظرات طرح شده در مقالات الزاماً دیدگاه فصلنامه نگاه معاصر نیست. تمام حقوق مادی و معنوی فصلنامه اندیشه معاصر برای بنیاد اندیشه محفوظ است. استفاده از مطالب فصلنامه نگاه معاصر فقط با ذکر منبع مجاز است.

قیمت: ۲۰۰ افغانی

راهنمای تهیه و تنظیم مقالات جهت انتشار در فصلنامه نگاه معاصر

الف) شرایط عمومی مقالات

۱. مقالات ارسالی باید تحقیقی - تحلیلی بوده و دارای ساختار منطقی، انسجام محتوایی، روشمند، مستند و مستدل بوده و با قلمی روان و رسا نگارش یافته باشند.
۲. مقالات ارسالی حتی‌الامکان تایپ شده و به اداره فصلنامه بنیاد اندیشه ارسال شود و یا فایل آن از طریق پست الکترونیکی به نشانی اینترنتی مجله اندیشه ایمیل گردد.
۳. حجم مقالات حداقل در ۳۰۰۰ کلمه و حداکثر در ۸۰۰۰ کلمه تنظیم شود.
۴. مشخصات کامل نویسنده شامل: نام و تخلص، رتبه علمی، تحصیلات، ایمیل و شماره تلفن تماس همراه با مقاله ارسال شود. مقالات کتابخانه‌ای دارای یک نویسنده و مقالات تجربی یا ساحوی می‌تواند بیشتر از یک نویسنده داشته باشد.
۵. مقالات ارسالی نباید قبلاً در نشریات داخلی، خارجی، سایت و یا به عنوان بخشی از یک کتاب چاپ شده باشند.
۶. با مقالات ترجمه شده، اصل آن نیز ضمیمه شود.

ب) نحوه تنظیم مقالات

- مقالات ارسالی باید دارای ساختار علمی باشند؛ یعنی دارای عنوان، مشخصات نویسنده یا نویسندگان، چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، قسمت اصلی، نتیجه و فهرست منابع باشند.
۱. چکیده: چکیده فارسی مقاله حداکثر ۱۵۰-۱۷۰ کلمه تنظیم گردد. چکیده باید به اختصار شامل: بیان مسأله، هدف پژوهش، روش و چگونگی پژوهش و یافته‌های مهم پژوهش باشد. در چکیده از طرح فهرست مباحث یا مرور بر آنها، ذکر ادله، ارجاع به مأخذ و بیان شعاری خود داری گردد.
 ۲. کلیدواژه‌ها: شامل حداکثر ۷ واژه کلیدی مرتبط با محتوا که اینفاگر نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.
 ۳. مقدمه: مقدمه مقاله به بیان مسأله تحقیق، پیشینه پژوهش، ضرورت و اهمیت پژوهش، اهداف، جنبه نوآوری بحث، سؤالات اصلی و فرعی، تصویر اجمالی از ساختار کلی مقاله بر اساس سؤالات اصلی و فرعی طرح و مفاهیم و اصطلاحات اساسی مقاله اختصاص می‌یابد.
 ۴. قسمت اصلی مقاله: چارچوب نظری یا مفهومی، روش تحقیق، مواد شامل شواهد، مدارک، استدلال، تحلیل و نقد و بررسی.
 ۵. نتیجه‌گیری: نتیجه مقاله بیانگر یافته‌های تفصیلی تحقیق است که به صورت گزاره‌های خبری موجز بیان می‌گردد و پاسخ اجمالی به سؤالات اصلی و فرعی مقاله داده می‌شود و از ذکر بیان مسأله، جمع‌بندی، مباحث مقدماتی، بیان ساختار مباحث، چارچوب نظری، ادله، مستندات، ذکر مثال یا مطالب استطرادی در این قسمت خودداری شود.
 ۶. نحوه ارجاع دهی

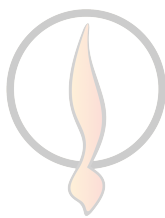
درون متنی: (تخلص، سال انتشار: شماره صفحه) برای مثال: (رضایی، ۱۳۹۳: ۱۲۳)

ناسیس ۱۳۹۲

ج) فهرست منابع

۱. کتاب: تخلص، نام (سال انتشار)، عنوان اثر، نام و تخلص مترجم، محل نشر: ناشر.
۲. مجله: تخلص، نام (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، نام و تخلص مترجم، نام مجله، سال انتشار، (شماره مجله): صفحات مقاله.
۳. سایت اینترنتی: تخلص، نام (سال انتشار)، «عنوان یادداشت»، نام سایت، (آخرین مشاهده در ۱۳۹۷/۳/۲۱)، قابل مشاهده در لینک ذیل:

- ۵..... سخن نخست: نقش پاکستان در روند صلح افغانستان
- ۱۱..... پیامدهای محیط زیستی شیوع کرونا در سطح بین الملل
عباس بصیر
- ۳۱..... اتاق های فکر و دیپلماسی زیست محیطی چین
نویسنده: سیلویا مینیگری / مترجم: محمد سالم ناجی
- ۶۱..... ظهور و افول هژمونی امریکا از ویلسون تا ترامپ
نویسنده: جوزف نای / مترجم: محمد قاسم عرفانی
- ۸۹..... بررسی تأثیر ارزش های دیجیتال بر حاکمیت دولت ها در عصر پساوستانفالی
روح الامین سعیدی / عارف وفایی
- ۱۱۳..... مطالعه سیاست خارجی پاکستان در قبال افغانستان در چارچوب نظریه صلح دموکراتیک
امان الله شفایی
- ۱۳۱..... تحولات نظام بین الملل و تأثیرات آن بر حاکمیت ملی افغانستان
محمد جواد حیدری
- ۱۵۷..... تحلیل روابط افغانستان و شوروی در عصر شاه امان الله خان
فاروق انصاری
- ۱۷۱..... ژئوپولیتیک تاریخی افغانستان
محمد حسین خلوصی
- ۱۹۱..... شاخص های تصمیمات غیر عقلانی در سیاست خارجی افغانستان
مهدی عارفی
- ۲۱۱..... ظرفیت ها و چالش های افغانستان در کریدور منطقه ای شمال و جنوب
سید آصف حسینی
بنیاد اندیشه
تأسیس ۱۳۹۴
- ۲۳۵..... جهانی شدن و توسعه افغانستان پسا طالبان، با تأکید بر کمک های جهانی
محمد آصف محسنی
- ۲۷۱..... مهاجرت بین المللی افغان ها؛ مسائل و پیامدها
گفت و گو با سید حسین عالمی بلخی
- ۳۰۶..... چکیده ها به زبان انگلیسی



بنیاد اندیشه
تأسیس ۱۳۹۴

نقش پاکستان در روند صلح افغانستان

با این‌که روند صلح افغانستان وارد فاز دوم، یعنی گفت‌وگوی بین‌الافغانی، شده است و بنا است که دو طرف در مذاکرات مستقیم و رو در رو مسایل مورد منازعه و اختلاف را حل کرده به یک راه‌حل صلح‌آمیز دست یابند، نقش قدرت‌های بیرونی در موفقیت و ناکامی این روند را نمی‌توان انکار کرد. در این میان، پاکستان به عنوان همسایه بزرگ‌تر افغانستان، از بدو تأسیس در سال ۱۹۴۷ تا کنون، همواره در تحولات افغانستان مؤثر بوده است و اکنون نیز در روند صلح افغانستان کلیدی‌ترین کشور محسوب می‌شود.

۱. پیشینه نفوذ پاکستان

پاکستان درست زمانی متولد شد که جنگ سرد وارد نخستین فاز تنش بین دو قطب گردیده بود. این کشور در دوران جنگ سرد (۱۹۴۵-۱۹۹۱) از یک‌طرف عضویت در کمربند امنیتی غرب (سیتو^۱ و ستو^۲) در برابر شرق را داشته و در خط مقدم دفاع از جهان آزاد قرار داشت و از جانب دیگر با افغانستان دچار اختلاف مرزی بر سر خط دیورند بود. همین سوگیری باعث شد که افغانستان در فضای دوقطبی جنگ سرد نتواند جایگاه قابل قبولی در قطب غرب پیدا کرده برای تأمین بودجه توسعه‌ای خود به دامن اتحاد جماهیر شوروی پناه ببرد. سفر سه روزه «بولگانین» و «خروشچف» در سال ۱۹۵۵ به کابل، نقطه عطفی در این عرصه محسوب می‌شود که نه تنها کمک‌های اقتصادی شوروی به افغانستان سرازیر شد؛ بلکه زمینه‌ساز آموزش و تجهیز اردوی افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی، ورود افکار چپی به افغانستان، تأسیس حزب

1. SEATO.

2. CENTO.

دموکراتیک خلق (۱۹۶۵)، کودتای ثور (۱۹۷۸) و نهایتاً اشغال کشور در ۱۹۷۹ توسط ارتش سرخ شد.

با ورود ارتش سرخ به افغانستان و حضور متمرکز احزاب جهادی در پاکستان و بعضاً ایران، این زمینه فراهم شد که پاکستان کمک‌های غربی و کشورهای عربی را به منظور مقابله با شوروی و تقویت احزاب جهادی جذب کند. تنش در روابط ایران و غرب پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹، پاکستان را به شریک بی‌بدیل امریکا در منطقه تبدیل کرده بود. در چنین شرایطی، پاکستان همزمان به مرکز جذب، آموزش و سامان‌دهی جهادی‌های عرب و افغان تبدیل شد و در مدت بیش از یک دهه تا سقوط حکومت نجیب‌الله در ۱۹۹۲، با استفاده از کمک‌های غربی و عربی، نفوذ گسترده بر احزاب و جریان‌های افغانی پیدا کرد.

شکست مجاهدین در دولت‌سازی (۱۹۹۲-۱۹۹۶)، زمینه مساعدی را برای پاکستان فراهم ساخت که با استفاده از عناصر درجه‌دوی احزاب جهادی، جریان طالبان را تأسیس و سازمان‌دهی کند و با ورود آن‌ها به کابل، بر اوضاع افغانستان مسلط شود.

۲. نقش پاکستان در دوره جدید

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و عدم همکاری طالبان در تحویل‌دهی اسامه بن‌لادن به امریکا، زمانی که قوای ائتلاف به رهبری امریکا در ۷ اکتبر ۲۰۰۱ با راه‌اندازی «عملیات آزادی پایدار»^۱ وارد افغانستان شده و طالبان را از قدرت به زیر کشیدند، پاکستان در ابتدا هم‌سوئی با ایالات متحده را نشان داده و دست به اقداماتی علیه طالبان و دیگر گروه‌های رادیکال زد؛ زیرا در آن مقطع، جورج بوش پسر به کشورهای منطقه هشدار داده بود که یا با ما باشند و یا با تروریستان؛ اما رهبری و بدنه طالبان با عبور از مرز، در مناطق قبایلی پاکستان مستقر شدند و با استفاده از امنیت و فضای مساعد در پاکستان، خود را دوباره سازمان‌دهی کرده و از سال‌های ۲۰۰۵ به بعد، رستخیز طالبانی علیه قوای ائتلاف و دولت افغانستان از سر شروع شد. با افزایش خشونت‌ها در افغانستان، مقامات در کابل همواره پاکستان را به پناه‌دادن و حمایت از طالبان متهم کردند؛ ولی پاکستان همواره این اتهامات را رد می‌کرد تا این‌که تفنگ‌داران امریکایی در ۲ ماه می ۲۰۱۱، اسامه بن‌لادن، رهبر پیشین القاعده، را در «بلال تاون ابیت‌آباد» پاکستان به قتل رساندند.

1. Operation Enduring Freedom.



قتل اسامه بن لادن در پاکستان بر روابط دو کشور تأثیر منفی گذاشت. در پی آن و بر اساس برخی گزارش‌ها، ملا محمد عمر در اپریل ۲۰۱۳ در کراچی درگذشت که طالبان بعد از دو سال پنهان‌کاری در ۲۹ جولای ۲۰۱۵ مرگ او را تأیید و ملاً اختر منصور را به عنوان جانشین وی تعیین کردند. ملا اختر منصور نیز در ۲۱ می ۲۰۱۶ به وسیله هواپیمای بدون سرنشین امریکا در ایالت بلوچستان پاکستان کشته شد. مرگ‌های پیاپی رهبری القاعده و طالبان در خاک پاکستان، آشکار ساخت که پاکستان به گروه‌های تروریستی القاعده و طالبان پناه داده است. از این پس، اسامی شورای کویت، شبکه حقانی، شورای میرام‌شاه که در شهرهای مختلف پاکستان و مناطق قبایلی وزیرستان شمالی مستقر بودند و در عملیات‌های مرگبار علیه قوای ائتلاف و دولت افغانستان دست داشتند، بر سر زبان‌ها افتاد. همزمان با آخرین سال‌های زعامت رئیس جمهوری کرزی و تطبیق استراتژی انتقال مسئولیت‌های امنیتی به نیروهای افغان، فعالیت طالبان با استفاده از خاک و امکانات پاکستان بیش از پیش علنی و تشدید شد.

در بسیاری از عملیات طالبان در خاک افغانستان، حضور شهروندان پاکستانی، به‌خصوص اعضای لشکر طیب و جیش محمد، گزارش شده است. هرچند که دولت پاکستان به صورت رسمی این جریان‌های تروریستی را حمایت نمی‌کند؛ ولی کشورهای مثل هند و ایالات متحده، بارها سازمان استخبارات پاکستان (آی‌اس‌آی) را به تمویل و حمایت این گروه‌ها متهم کرده‌اند.

۳. خواست‌های پاکستان از افغانستان

همان‌طور که اشاره شد، پاکستان همواره در راستای تضعیف دولت مرکزی افغانستان و بی‌ثباتی کشور ما گام برداشته، به جز دوره طالبان که اوضاع در کنترلش بود. حال پرسش این است که پاکستان چه می‌خواهد تا دست از تخریب و تضعیف برداشته، از ثبات سیاسی و صلح در افغانستان حمایت کند؟

بنیاد اندیشه
تأسیس ۱۳۹۴

پاسخ به این سؤال چندان روشن نیست؛ زیرا پاکستانی‌ها در طی سال‌های اخیر، چه در اعلام مواضع رسمی خود و چه در نشست‌های پشت پرده، به صراحت اعلام نکرده‌اند که دقیقاً چه توقعی دارند؛ اما با توجه به تاریخ کوتاه پاکستان، منازعه مرزی دو کشور و روابط افغانستان و هند می‌توان گفت که به احتمال زیاد خواست‌های اساسی پاکستان موارد ذیل است:



۳-۱. رسمیت خط مرزی دیورند

با این‌که پاکستان در موقعیت برتر قرار دارد و نگرانی جدی و فوری در مورد این خط ندارد و از طرفی هم شرکای بین‌المللی، از جمله ایالات متحده آمریکا، همواره این مرز را به عنوان مرز بین‌المللی به رسمیت شناخته‌اند؛ ولی موقف افغانستان و اظهار نظر مقامات عالی‌رتبه دولت در کابل مبنی بر فرضی بودن خط دیورند، همواره موجب تنش در روابط دو کشور شده و پاکستانی‌ها به نحوی به آن واکنش نشان داده‌اند. از طرف دیگر، پاکستان یکی از کشورهایی با پتانسیل بی‌ثباتی سیاسی به دلیل ترکیب قومی، توسعه نامتوازن و مشارکت سیاسی غیر عادلانه است که گرایش‌های واگرایانه و جدایی طلبانه در آن کشور را تحریک و تشدید می‌کند. بلوچستان و خیبرپختون‌خواه دو منطقه محروم و تا حدود ناراض از دولت مرکزی‌اند و مناطق قبایلی موجود در مجاورت افغانستان، زمینه‌ساز ضعف نظارت و کنترل دولت مرکزی اسلام‌آباد است. از این جهت، اختلافی ماندن خط مرزی دیورند می‌تواند ممد محکمی باشد در کنار دیگر متغیرها که امنیت ملی پاکستان و تمامیت ارضی‌اش در معرض خطر دیده شود؛ بنابراین، به نظر می‌رسد که مطلوب پاکستان این است که دولت مرکزی در کابل این خط را به رسمیت شناخته و از هر نوع داعیه ارضی در ماورای این خط دست بردارد؛ امری که در افغانستان از ۱۹۴۹ به بعد، که اعتبار توافق‌نامه کابل (۱۸۹۳) در مورد خط مرزی به صورت یک‌جانبه از طرف افغانستان ملغا اعلام شد، به نوعی تابو تبدیل شده و هر جریانی که در کابل بر سر کار آمده، نتوانسته به سمت رسمی شدن و پذیرش این خط به پیش برود. اتخاذ چنین سیاستی می‌تواند یکی از عوامل دخالت پاکستان در جهت تضعیف دولت در کابل و ناامن‌سازی افغانستان به شمار رود. در دنیای سیاست و مناسبات بین‌المللی آنچه تعیین‌کننده است، قدرت است و نه حقیقت تاریخی و یا حقانیت یک منطق؛ از این‌رو، به نظر می‌رسد خوب است که سیاست‌گران افغانستان با رویکرد واقع‌گرایانه و نه آرمان‌گرایانه با این موضوع برخورد کنند.

بنیاد اندیشه
تاسیس ۱۳۹۴

۳-۲. مناسبات با هند

افغانستان میدان رقابت هند و پاکستان است؛ لذا یکی از خواست‌های پاکستان از افغانستان، نوع نگاه افغانستان به هند است. از نظر پاکستان که با هند در منازعه دوامدار به سر می‌برد، افغانستان نباید به هند به عنوان شریک راهبردی منطقه‌ای نگاه کند. توقع پاکستان این است که افغانستان باید پاکستان را به عنوان شریک راهبردی خود پذیرفته و در سیاست خارجی خود



با هند ملاحظات پاکستان را به صورت جدی مطرح نظر قرار دهد. این در حالی است که در ۱۹ سال اخیر، هند روابط دوستانه با افغانستان داشته و هم‌اکنون نیز هند در هم‌سویی با دولت افغانستان، دموکراسی و نظم مبتنی بر قانون اساسی فعلی را مهم‌ترین دستاورد افغانستان در ۱۹ سال اخیر دانسته و بر حفاظت از آن در جریان روند صلح تأکید دارد. در حالی که پاکستان به دنبال ایجاد حکومت اسلامی بنیادگرایانه در افغانستان است؛ اما هند، افغانستان دموکرات را ممد مقاصد سیاسی و امنیتی خود می‌داند. هزار در طی سال‌های جدید، پس از سقوط طالبان، ۳ میلیارد دالر کمک اقتصادی را در بخش زیرساخت‌ها و تقویت نیروی انسانی افغانستان هزینه کرده است. اعطای سالانه حداقل یک هزار بورسیه به دانشجویان افغانستان برای تحصیل در هند، اعمار سد دوستی افغانستان و هند (بند سلما) در هرات، ساخت تعمیر پارلمان افغانستان در کابل و راه‌اندازی بندر چابهار برای دور زدن پاکستان، چند نمونه از اقدامات اساسی هند در سال‌های اخیر به شمار می‌رود که هر کدام به سهم خود، حساسیت پاکستان را تحریک کرده و موجب ناخرسندی آن کشور شده است.

پاکستان علاوه بر این، در زمینه فعالیت نمایندگی‌های دیپلماتیک هند در ولایات همجوار با پاکستان نگرانی دارد؛ زیرا گزارش‌هایی مبنی بر تماس هند با برخی از چهره‌های پتان در مجاورت با خاک افغانستان وجود دارد؛ از این‌رو، پاکستان در صدد است که افغانستان در روابط خود با هند در تمامی عرصه‌ها تجدید نظر کند و دغدغه‌های پاکستان را مد نظر قرار دهد.

۳-۳. مسئله کشمیر

با این‌که افغانستان در مجاورت با کشمیر، منطقه موارد منازعه هند و پاکستان، قرار ندارد؛ اما پاکستان برای مقابله با هند در کشمیر و به خاطر کشمیر، نیازمند سازمان‌دهی جریان‌های اسلام‌گرای رادیکال در پاکستان و افغانستان است؛ از این‌رو، برای پاکستان مطلوب آن است که یا در افغانستان دولت اسلام‌گرای رادیکال روی کار آید و یا این‌که احزاب و جریان‌های افراطی مثل طالبان برای مقابله با دولت مرکزی افغانستان همواره تحت‌الحمایه و در کنترل پاکستان باشد تا در صورت ضرورت، از توانایی‌های چنین گروه‌ها علیه هند استفاده کند.

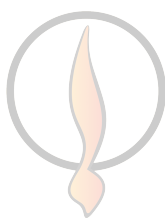
با توجه به نکات فوق، به نظر می‌رسد روند صلح افغانستان صرفاً بعد داخلی ندارد که دولت افغانستان با طالبان به توافق برسند و چنین توافقی به ثبات سیاسی در افغانستان منجر شود. طالبان



از یک جهت ابزاری در اختیار پاکستان است که برای رسیدن به اهداف فوق‌الذکر از آن استفاده می‌شود؛ بنابراین، تا مسایل اختلافی افغانستان و پاکستان به شکل بنیادی حل نشود، ثبات سیاسی در افغانستان دست‌یافتنی نخواهد بود. پاکستان با این‌که از مشکلات مختلف رنج می‌برد و کشور خوش‌نامی در سطح منطقه و جهان نیست؛ اما از این ظرفیت برخوردار است که مانع استقرار ثبات سیاسی و توسعه در افغانستان شود؛ از این‌رو، ایجاب می‌کند که سیاستیون در افغانستان در کنار پیشبرد روند صلح با طالبان، برای حل مسایل دوجانبه با پاکستان- با توجه به ظرفیت‌ها، امکانات و منافع بنیادی افغانستان- غور و بررسی عمیق و همه‌جانبه داشته باشند و از طریق در پیش گرفتن یک راه‌حل معقول و منطقی، روابط با پاکستان را بازتعریف کنند.

ما شاهد یک تجربه موفق در اروپا هستیم؛ با وجود این‌که جنگ‌های اول و دوم جهانی ریشه در اختلافات آلمان و فرانسه داشتند؛ اما سیاستیون در فرانسه پس از جنگ دوم جهانی به این فکر افتادند به جای این‌که ظرفیت آلمان در جهت تخریب اروپا استفاده شود، آن را در راستای آبادانی و توسعه اروپا سوق دهند. با چنین نگاه بود که اتحادیه اروپا با محوریت دو کشور فرانسه و آلمان، که سابقه طولانی مدت خصومت داشتند، در آغاز نیمه دوم قرن بیست، موجب و زمینه‌ساز فصل نوین در مناسبات دو کشور و کل اروپا شد. افغانستان و پاکستان نیز اگر خردمندانه به مسایل توجه نشان دهند، امکان بازنگری دوجانبه در مناسبات دو کشور در راستای منافع مشترک دوجانبه و منطقه‌ای وجود دارد.

سر دبیر



بنیاد اندیشه
تأسیس ۱۳۹۴

